

گونه‌شناسی اعتراض‌های زنان در عصر ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق)

نوع مقاله: پژوهشی

اکرم کرملی^۱/سهام‌الدین خزایی^۲/محسن رحمتی^۳

چکیده

ایران عصر قاجار دوره‌ گذر از جامعه سنتی به سوی مدرنیته است. این مسئله در ابعاد مختلف تاریخ اجتماعی این دوره، از جمله در عرصه مسائل زنان، دیده می‌شود. تا پیش از دوران ناصری زنان در جامعه حضوری کم‌رنگ و بیشتر پنهان داشتند، ولی در این دوران شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود و ارتباط با غرب و اندیشه‌های غربی موجب آگاهی زنان و ورود آنها به عرصه اجتماع شد. آنچه در این مقاله مورد توجه است اینکه زنان در دوره ناصری چرا و چگونه اعتراض خود را به عملکرد حاکمیت بیان کردند؟ یافته‌های پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای گرد آمده، حاکی از آن است که زنان به دلیل ظلم و ستم داخلی، اوضاع بد اقتصادی و در پی آشنایی با اندیشه‌های غربی به اوضاع موجود معترض شدند و درخواست‌های خود را نخست به صورت عریضه به شاه و شاهزادگان عرضه کردند. ولی چون این روش کارساز نبود، در مرحله بعد با شرکت در تجمعات و بلواهای اقتصادی و مذهبی درصدد برآمدند تا صدای اعتراض خود را به گوش عوامل حاکمیت برسانند. واژگان کلیدی: اعتراض، زنان، عریضه، عصر ناصری، بابیه.

Typology of Women's Protests in the Nasserite Era (1848-1896)

Akram Karamali⁴/Sahamuddin Khazaei⁵/Mohsen Rahmati⁶

Abstract

Iran in the Qajar period is a period of transition from traditional society to modernity. This issue can also be seen in the study of different dimensions of women's social history of this period. Prior to the Nasserite era, women had a lesser and more hidden presence in society, but in the Nasserite era, due to the existing economic and social conditions and with the increase of women's awareness due to their connection with the West and Western ideas, was discussed clear requests from them for improving the current situation. What is important in this article, is why and how did women in the Nasserite era express their protest against the government performance? The findings of a descriptive-analytical study based on library resources indicate that women have protested against the current situation, due to internal oppression, poor economic conditions, and familiarity with Western ideas, that became aware of their deceptive rights, they first petitioned the king and princes, but because this method did not work, in the next stage, by participating in economic and religious gatherings and riots, they tried to make their voices heard by government officials.
Keywords: protest, women, petition, Nasserite era, Babiah.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه لرستان، لرستان، ایران.
۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. (نویسنده مسئول).

۳. استاد گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. *تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۳/۵ * تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۴/۳.

4. PhD Candidate of History, Lorestan University, Lorestan, Iran, Email: karamali.ak@fh.lu.ac.ir.

5. Assistant Professor of Ancient Iranian History, Lorestan University (Corresponding Author), Email: khazaei.s@lu.ac.ir.

6. Professor, History Department, Lorestan University, Lorestan, Iran, Email: rahmati.mo@lu.ac.ir.

مقدمه

زنان در دوران قاجار موقعیت مناسبی نداشتند. آنها از حضور در اماکن عمومی منع بودند و تنها می‌توانستند در مناسبت‌های خاص و یا عزاداری‌های مذهبی با حجاب کامل در کوچه و بازار حضور یابند. هویت آنها منحصر به خانه و همسر بود، تا جایی که مردان در بیرون از خانه از زنان خود صحبت نمی‌کردند و حتی نام آنها را نمی‌بردند. اما به تدریج، با تغییر شرایط، فکر آزادی زنان در ذهن مردم جامعه راه پیدا کرد و زنان نیز به حق و حقوق خود آگاهی نسبی یافتند. آنها درصدد برآمدند موجودیت خود را در جامعه ثابت کنند و در عهد ناصری به علت ارتباط با غرب زمینه این کار برای آنان فراهم شد. در این دوره به دلیل بی‌تدبیری شاه و حکام محلی بحران‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بروز کرد که منجر به نارضایتی‌های گسترده در سطح جامعه شد. این بحران‌ها تحت تأثیر عناصر داخلی و خارجی، فشار حکومت بر مردم و طرح گفتمان‌های نو موجب شد که زنان نیز برای تغییر شرایط وارد عمل شوند. آنها در قدم اول به عریضه‌نویسی برای شاه و سایر مقامات روی آوردند. ولی به این عریضه‌ها و شکایات جواب داده نمی‌شد و اگر داده می‌شد، حکم اجرا نمی‌شد. برای همین زنان با توجه به مشکلات پیش‌آمده دست به اعتراض‌های مختلف زدند. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای به گونه‌های مختلف اعتراض زنان در دوره ناصری می‌پردازیم که به صورت مکتوب (در قالب عریضه‌نویسی) و به صورت شفاهی (از طریق شرکت در بلواها) بروز کرد.

درباره نقش زنان در اعتراض‌های عصر ناصری تاکنون پژوهش‌های زیادی در قالب کتاب و پایان‌نامه انجام شده است. برخی از پایان‌نامه‌ها عبارت‌اند از: «بررسی جایگاه زنان دوره ناصری از نگاه سیاحان اروپایی» (۱۳۹۶) نوشته شیوا فریدفر، «بررسی فرآیند شکل‌گیری هویت جدید زن در ایران از عصر ناصری تا پایان پهلوی» تألیف فاطمه دعاگویی (۱۳۹۰)، «بررسی نقش زنان در تحولات سیاسی - اجتماعی عصر قاجار (از دوره ناصرالدین شاه تا پایان عصر قاجار)»، نوشته زهرا منگلی حجت‌آباد کشکو (۱۳۹۴)، «ناصرالدین شاه و زنان» تألیف زینب فرض‌الهی آلاذگه (۱۳۹۹) و نیز «جایگاه اجتماعی زنان عصر ناصری (مطالعه موردی: تأدیبات النسوان)» نوشته مژده مرزبانی (۱۳۹۴). محمدرضا علم و زهرا رضوی سوسن (۱۳۹۲) نیز در مقاله خود به «بررسی نقش زنان در جنبش تنباکو» پرداخته، ولی زمینه‌ها و علل آن را تحلیل نکرده‌اند. در مجموع هیچ کدام از این آثار به‌طور مستقل به بررسی علل و زمینه‌های شکل‌گیری اعتراض‌های زنان در این دوران نپرداخته‌اند. در پژوهش حاضر ابتدا عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری اعتراض‌های زنان و سپس گونه‌های مختلف اعتراض آنها را در عصر ناصری مطالعه و تحلیل می‌کنیم.

وضعیت زنان در عهد قاجار

زنان در عهد قاجار از حضور در جامعه منع بودند و بیشتر به امور خانواده و تربیت فرزندان مشغول بودند. هویت زن در جامعه سنتی ایران عهد قاجار تنها در نقش مادر و همسر معنا پیدا می‌کرد. زن با نام فرزندش شناخته می‌شد. او موجودی ضعیف و مطیع مرد بود و امکان هیچ فعالیت اجتماعی را نداشت و تنها براساس نظر بزرگان و به دلایل مالی و سیاسی و خانوادگی ازدواج می‌کرد^۱. حس تملک به زنان از ویژگی‌های بارز مردان بود. اگر حرکتی از زنان مورد قبول آنها نبود با او برخورد می‌کردند. زنان برای بیرون رفتن باید از مردان اجازه می‌گرفتند. در این ساختار بسته و محدود زن چاره‌ای جز گرایش به خرافه و دعانویسی نداشت^۲. زن نباید از اندرونی خانه بیرون می‌آمد و کار اجتماعی هم برای او عیب محسوب می‌شد، مگر در صورتی که مجبور بود به کارگری و کنیزی و خیاطی و... بپردازد. او زمانی وارد اجتماع می‌شد که به خانواده و یا مذهب مربوط شود^۳. یکی از اروپاییان که در این دوران به ایران سفر کرده است، می‌نویسد من در دوره اقامتم در ایران زنی ندیدم، مگر گاهی به‌ندرت در کوچه و بازار اجسام متحرکی می‌دیدم که در پارچه سیاهی پوشیده شده بودند و می‌گفتند اینها زن‌های ایران هستند^۴. لیدی شیل، همسر وزیر مختار انگلیس، نیز بیان می‌کند که در سفرش به ایران در استقبالی که از آنها شد هیچ زنی وجود نداشت^۵. تاج‌السلطنه هم در خاطرات خود آورده است که «عادات و اخلاق مملکت طوری بود که راه سعادت را به روی تمام زن‌ها بسته بود و آنها در نهایت جهل و بی‌اطلاعی به سر می‌بردند و تمام مسائل کشور بدون اطلاع زن‌ها تولید و نشر داده می‌شد»^۶ او در ادامه می‌گوید: «موجوداتی بودند که در اسارت به سر می‌بردند، برخی سر و دست شکسته و برخی گرسنه و برخی برهنه. در برابر این زندگی تاریک مرگ برای آنها روز سفید است»^۷. در این دوران چندهمسری نیز رواج داشت و این مختص به شاه نبود، بلکه در هر خانه‌ای چند زن بود. علت این امر شرایط بد اقتصادی بود. بسیاری از زنان برای داشتن یک زندگی ساده و حمایت مالی مجبور بودند به ازدواج موقت تن دهند^۸.

حضور زنان در اجتماع در روستاها پذیرفته‌تر از شهر بود، ولی آنها هم باید تمام مسائل عرفی و شرعی

۱. منیره صادقی، «بررسی تحلیلی زمینه‌های شکل‌گیری مناسبات میان حرمسرا و دیوانسالاری در دوره قاجار تا پایان عصر ناصری»، تاریخنامه خوارزمی، ش ۵، ش ۱۹ (پاییز ۱۳۹۶)، ص ۵۶.

۲. سهیلا ترابی فارسانی، «تکاپوی زنان عصر قاجار: فردیت، جهان سنت و گذار از آن»، تاریخ اسلام و ایران، س ۱۹، ش ۲، پیاپی ۱۷ (۱۳۸۸)، ص ۱۲.

۳. صادقی، ص ۶.

۴. پری شیخ‌الاسلامی، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران (تهران: انتشارات مازگرافیک، ۱۳۵۱)، ص ۷۳.

۵. مری شیل، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان (تهران: نشر نو، ۱۳۶۸)، ص ۲۶.

۶. خاطرات تاج‌السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱)، ص ۷.

۷. همان، ص ۸.

۸. طاهره لامعی گیو، «بررسی رویکرد شرق‌شناسانه نسبت به ایران عصر قاجار با تکیه بر سفرنامه‌های زنان اروپایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بیرجند، ۱۳۹۴.

را رعایت می‌کردند.^۱ به لحاظ پوشش، زنان ایل و روستا بدون نقاب در اجتماع ظاهر می‌شدند و حجابی نداشتند.^۲ آزادانه در دهات می‌چرخیدند و با خویشان خود در روستاهای دیگر رفت و آمد داشتند.^۳ دوشادوش مردان به کارهای کشاورزی و فعالیت‌های اقتصادی مشغول بودند و همین باعث شده بود که نسبت به زنان شهری محدودیت کمتری داشته باشند، هرچند، در مقابل، نسبت به آنها حق و حقوق کمتری داشتند. زنان شهری از حق ارث و مالکیت بهره‌مند بودند.^۴ از طرفی زنان طبقه مرفه امور خانه و فرزند را به نوکران خود می‌سپردند و بیشتر وقت خود را صرف رسیدگی به خود و آرایش کردن می‌کردند.^۵

زمینه‌های شکل‌گیری اعتراض‌های زنان در عصر ناصری

در دوران ناصری به علت ارتباط با غرب و ورود روزنامه در وضع زنان تغییراتی به وجود آمد. ارتباط با غرب باعث شد زنان ایرانی به نحوه زندگی زنان اروپایی علاقه‌مند شوند. چنانکه مهد علیا در ملاقات با لیدی شیل علاقه خود را به نوع پوشش و معاشرت با آنها نشان می‌دهد.^۶ در این دوران زنان با وجود مخالفت‌ها و محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی و مذهبی موفق شدند مطالبات خود را در قالب عریضه بیان کنند که این امر ریشه در انتشار نشریاتی همچون *اختر و قانون* داشت که مسائل و مشکلات زنان را بازگو می‌کردند. مثلاً *اختر* با اعتقاد به اینکه «هر مملکت اگر می‌خواهد در ظرافت و ادب و تمدن برتر باشد باید به حقوق زنان توجه کند»^۷ از ظلم و ستم بر زن‌ها انتقاد می‌کند.^۸ بنابراین، نشریات این امکان را برای زنان فراهم کردند که خواسته‌های خود را در قالب نوشتار بیان کنند. نویسندگان این متون بیشتر زنان درباری و طبقه بالای اجتماع بودند، مانند مهد علیا مادر ناصرالدین شاه و فروغ‌الدوله دختر ناصرالدین شاه که موضوع نامه‌های مهدعلیا شفاعت و پیگیری کار اطرافیان بود.^۹ همین نوشتارها سرآغازی شد برای عریضه‌نویسی زنان تا از این طریق به بیان مشکلات خود بپردازند و از ظلم و اجحافی که در حقشان می‌شد شکایت کنند.

۱. ژان دیولافوا، سفرنامه خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش ۱۸۸۴-۱۸۸۶، ترجمه ایرج فره‌وشی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱)، ص ۷۸.

۲. جمشید بهنام، «نگاهی دوباره بر مسئله تعدد»، ایران‌نامه، س ۱۸، ش ۲ (۱۳۷۹)، ص ۷۸.

۳. الیزابت مکین روز، با من به سرزمین بختیاری بیاید (تهران: آئزان، ۱۳۷۳)، ص ۹۵.

۴. نیکی آر. کدی، ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه (تهران: ققنوس، ۱۳۸۱)، ص ۳۵.

۵. بهنام، ص ۷۸.

۶. زهرا باش‌فران، «بازتاب مسائل اجتماعی و فرهنگی زنان در عکس‌های پس از مشروطه تا سقوط قاجار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ دانشگاه قزوین، ۱۳۹۶، ص ۴۵.

۷. اختر، س ۱۳۰۳ق، ش ۲۸ و ۲۹، ص ۱.

۸. همان، س ۱۳۰۳ق، ش ۲۸، ص ۲.

۹. علی‌اکبر مشیر سلیمی، زنان سخنور (تهران: علمی، ۱۳۳۵)، ص ۱۶۷.

اما ورود زنان به اعتراض‌ها در عصر ناصری دلایل دیگری هم داشت. بسیاری از زنان شاه دهقان‌زادگانی بودند که شاه در گردش و شکار آنها را دیده و به همسری برگزیده بود، بنابراین اکثرشان وضعیت رضایت‌بخشی نداشتند. تعدادی از آنها تنها چند بار در سال شاه را می‌دیدند و شاه حتی از تولد و مرگ بچه‌های آنها خبر نداشت. این زنان چون به طبقه دهقانی تعلق داشتند در اعتراض‌ها شرکت می‌کردند.^۱ از جمله این زنان انیس‌الدوله بود که در ماجرای رژوی و تحریم تنباکو به حمایت از میرزای شیرازی پرداخت. یکی دیگر از دلایل، قحطی‌ها و خشکسالی‌ها بود که باعث مشکلات زیادی می‌شد. از یک سو قحطی‌های پی در پی و از سوی دیگر آزار و اذیت‌های عمال حکومتی برای گرفتن مالیات، مردم را به ستوه آورده بود. به گفته باستانی پاریزی، در سال ۱۲۷۲ق اهالی به خاطر قحطی و خشکسالی مجبور شدند زنان و کودکان را از روستاهای اطراف بدزدند و به جای مالیات عرضه کنند.^۲ علاوه بر این، بعد از بروز قحطی و خشکسالی، ایلات و عشایر مسلح زنان و دختران را غارت می‌کردند و آنها را مورد تعدی قرار می‌دادند و یا می‌فروختند.^۳ همین امر زنان را وادار به اعتراض کرد.

بافت سنتی جامعه هم در شکل‌گیری اعتراض‌های زنان مؤثر بود. مأمورین دولتی به دلیل نامحرم بودن زنان به آنها تعرض نمی‌کردند و با ایشان کاری نداشتند و این مربوط به ذهنیت رایج آن زمان بود.^۴ در واقع زنان در عرف اجتماعی موجودی ضعیف به حساب می‌آمدند و مأمورین دولتی دون شأن خود می‌دانستند که با آنها رو در رو شوند. از طرفی تعرض به زنان که حفظ حرمت و عفت آنها از نظر جامعه بسیار اهمیت داشت، برای حکومت ناصری بسیار خطرناک بود، زیرا اگر نیروهای دولتی به زنان حمله می‌کردند این ننگ برای آنها می‌ماند که به ضعیفه‌ها هجوم آورده‌اند.^۵ در این زمینه باید به سفر شاه به لرستان اشاره کنیم که وقتی برای دلجویی از مردم شاکای از ظلم ظل‌السلطان، با کالسکه از میان آنان عبور می‌کرد، یکی از زنان عشایر به او گفت: «قبله عالم چرا روی خود را به ما نشان نمی‌دهید، ما آمده‌ایم شاه را ببینیم نه کالسکه شاه را و همین باعث شد شاه کالسکه را نگه دارد.»^۶ این امر نشان‌دهنده جسارت و روحیه آزاد و فارغ از قید و بند زنان روستایی نسبت به شهریان است.

از دیگر زمینه‌های ورود زنان به اعتراض‌های عصر ناصری تأثیر گفتمان‌های نو بود. رواج اندیشه‌های

۱. مصطفی اجتهادی، دایره‌المعارف زن ایرانی، ج ۱ (تهران: مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۲)، ص ۱۶۲.

۲. محمدابراهیم باستانی پاریزی، گذر زن از گذار تاریخ (تهران: کیانا، ۱۳۸۲)، ص ۱۴۷.

۳. یرواند ابراهامیان، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی (تهران: نشر نی، ۱۳۸۹)، ص ۱۳.

۴. هنریش بروگش، سفری به دربار صاحبقران ۱۸۵۹-۱۸۶۱، ترجمه حسین کردبچه، ج ۲ (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷)، ص ۶۰۳.

۵. مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوستری، تصحیح فرامرز برزگر و اسماعیل رانین (تهران: انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۵۱)، ص ۲۳۹.

۶. حسنعلی افشار، سفرنامه لرستان و خوزستان (اراک، بروجرد، خرم‌آباد، دزفول و شوشتر) (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۷۷-۷۹؛ محمدرضا والی‌زاده معجزی، تاریخ لرستان؛ روزگار قاجار: از تأسیس تا کودتای ۱۲۹۹ (تهران: حروفیه، ۱۳۸۰)، ص ۲۵۴.

نوگراییانه در مورد تساوی حقوق زن و مرد و اندیشه‌های بابی در مخالفت با تعدد زوجات باعث شد زنان به حق و حقوق خود آگاه شوند و احساس ناخرسندی کنند.^۱ نقدهای صریح و کوبنده‌اندیشمندانی چون میرزا ملکم‌خان به ساختار سیاسی - اجتماعی عصر ناصری نیز بی‌تأثیر نبود. ملکم‌خان از موقعیت زنان در ایران احساس نگرانی می‌کند و می‌گوید: «نصف هر مملکت مرکب است از زن. هیچ طرح ملی پیش نمی‌رود مگر به معاونت زن‌ها. وجود آنها را در هر مقامی باید محترم داشت.»^۲ این آموزه‌ها نقش زنان را در اعتراض‌های دوره ناصری البته عمیق‌تر می‌کرد.

اما آنچه بیش از همه بر حضور زنان در اعتراض‌های عصر ناصری اثرگذار بود، وضعیت بد اقتصادی بود. زنان چون مسئول تهیه خوراک خانواده بودند، در زمان قحطی نان به جمع معترضان پیوستند. بنابراین، اعتراض زنان ناشی از مشکلات اقتصادی و قحطی و سوءمدیریت مقامات بود. همین باعث شد جامعه نیز همسو با اعتراض زنان به مخالفت برخیزد.^۳ شرکت زنان به‌عنوان یک گروه اجتماعی تأثیرگذار و فعال در بلوهای نان را می‌توان متأثر از طرح مباحث جدید دانست که بر اثر شرایط سخت اقتصادی پیش آمده بود و آن‌ها با حضور در اجتماع به سرنوشت سیاسی - اجتماعی خود حساس شدند و در بحران‌های اقتصادی جامعه از خود واکنش نشان دادند. بنابراین مسئولیت‌پذیری زنان در امر معاش ضرورت‌های اجتناب ناپذیری را بر آن‌ها تحمیل می‌نمود تا بر بستر چنین دیدگاهی بیش از مردان به رفع مشکل نان بیندیشند.^۴

شیوه‌های اعتراض زنان در عصر ناصری

زنان در عصر ناصری به دو شکل اعتراض خود را به گوش حاکم می‌رساندند: یا عریضه می‌نوشتند و یا در اعتراض‌های علنی علیه حاکمیت مشارکت می‌کردند.

عریضه‌نویسی؛ شیوه مکتوب اعتراض زنان در عصر ناصری

تا پیش از مشروطه و شکل‌گیری نهادهای جدید قانون‌گذاری، کارکردهای حکومت قاجار با ادوار پیشین چندان تفاوتی نداشت. با وجود موج‌های جدید آگاهی و اصلاحات برآمده از آن، در تصور مردم و حاکمان از شاکله حکومت تغییری ایجاد نشده بود. از این رو، در دوره ناصری نیز، مانند گذشته، شاه خود به عرایض رسیدگی می‌کرد. اما تغییراتی در صورت عریضه‌نویسی دوره قاجار به وجود آمد که بسیار حائز اهمیت است. نخست آنکه تشکیل نهادهای نوینی چون وزارتخانه‌ها و دارالشوری (۱۲۷۵ق) و همسو با

۱. زهرا علیزاده بیرجندی، حکومت ناصری و گفت‌وگوهای نو (تهران: هیرمند، ۱۳۹۰)، ص ۱۸۳.

۲. میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، روزنامه قانون، ش ۷، ص ۳.

۳. ونسا مارتین، دوران قاجار: چانه‌زنی، اعتراض و دولت در ایران سده نوزدهم، ترجمه افسانه منفرد (تهران: اختران، ۱۳۹۳)، ص ۱۷۹-۱۸۰.

۴. محمدحسن اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵)، ص ۵۰۷.

آن رشد دیوانسالاری در کمیت و کیفیت عرایض تأثیر گذاشت. عرایضی که تا پیش از این به شکایت از حکام ایالات و ولایات محدود می‌شد، با تغییری بنیادین به شکایت از دستگاه‌های دولتی نوبنیاد، مانند وزارتخانه‌ها و... تسری یافت.^۱ این تغییرات موجب پاره‌ای از اصلاحات حکومتی از جمله تأسیس مجلس مظالم نیز شد که بستری را برای طرح دعاوی مردم و نگارش عریضه فراهم می‌کرد.^۲ دومین تغییر در فرهنگ عریضه‌نویسی این دوره به شیوه بیان عرایض اختصاص داشت که از صورت شفاهی به کتبی تغییر یافت. در ادوار پیش هنوز شیوه بیان اغلب عرایض به همان صورت شفاهی و در حضور قاضی، وزیر یا شاه بود. با گسترش وسایل ارتباط جمعی، شیوه کتبی عریضه‌نویسی رواج یافت و بسیاری از عرایض در نشریات چاپ شد که تا پیش از آن معمول نبود.^۳

در این دوره، از میان عریضه‌های رسیده ۹۱ درصد به مردان و تنها ۹ درصد به زنان تعلق دارد.^۴ این اختلاف سطح به دلایل متعددی است که از آن جمله می‌توان به مشترک بودن برخی از دعاوی زنان و مردان اشاره کرد. دیگر آنکه با وجود آگاهی‌های جدید، هنوز بسیاری از زنان خود را دارای حق و حقوقی نمی‌دانستند. حاکمیت مردسالارانه جامعه سنتی آن دوره نیز مزید بر علت بود. این فرهنگ گاه سبب می‌شد مطالبات زنان از زبان مردان آنها بیان شود. چنانکه در زنجان، ملاعبدالحسین عریضه‌ای نوشت که زخم دختر حیدر قلی خان انگورانی است، برادرانش حق الارث او را نمی‌دهند.^۵

بیشتر عریضه‌ها درباره مسائل خانوادگی (شکایت از همسر)، ظلم و اجحاف حاکم و صدمات ناشی از غارت اموال بودند. گاه نیز از مسائل خاص زنان و از ظلمی حکایت می‌کردند که به دلیل زن بودن بر آنها می‌رفت. مثلاً براساس یکی از عریضه‌ها مردی به زنش بدهکار است. مرد در محضر شرع اقرار کرده که مبلغ ۲۰۰ تومان به همسرش مقروض است و قرار شده در عرض ۵ سال آن را پس بدهد و دو دانگ از شش دانگ یک باب خانه در شیراز را به‌عنوان رهن وجه مزبور قرار داده است. حال زن خواستار بدهی است.^۶ در برخی از عریضه‌ها هم زنان بیان کرده‌اند که علاوه بر نگرقتن مخارج و مهریه و نفقه، مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند.^۷ از کردستان زنی به نام بدری جهان، زوجه افراسیاب سلطان، از اینکه شوهرش

۱. فریدون آدمیت، همانا، افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار (تهران: آگاه، ۱۳۵۶)، ص ۳۹۴.

۲. علیزاده بیرجندی، ص ۱۸۴.

۳. ر.ک: شوهانی، سیاوش، عرایض؛ رهیافتی به تاریخ فرودستان (بررسی اسناد عرایض مجلس شورای ملی)، گنجینه اسناد پاییز ۱۳۸۹ شماره ۷۹.

۴. سیروس سعدوندیان، منصوره اتحادیه، آمار دارالخلافه تهران: اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار (۱۲۶۹ و ۱۲۸۶ و ۱۳۱۷ق) (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۸)، ص ۲۵۹؛ فریدون آدمیت، شورش بر امتیازنامه رژی (تهران: پیام، ۱۳۵۵)، ص ۸۱.

۵. سعدوندیان، اتحادیه، ص ۲۵۹-۲۶۰؛ منصوره اتحادیه، اینجا تهران است (مجموعه مقالاتی در مورد طهران ۱۲۶۹-۱۳۴۴ق) (تهران: تاریخ ایران، ۱۳۷۷)، ص ۲۵۹.

۶. دزدعق، آرشیو برخط دنیای زنان در عصر قاجار وابسته به دانشگاه هاروارد، به آدرس <http://www.qajarwomen.org>؛ سند ش ۱۶۱۷۹۸۱ (۱۳۰۳ق)، از مجموعه اسناد جمال رادفر.

۷. همان، سند ش ۱۶۱۷۹۸۷۴ (۱۳۰۳ق).

او را کتک می‌زند و طلاقش نمی‌دهد، شاکی است و می‌خواهد که شاه حاکم احقاق حق کند.^۱ در مورد احقاق حقوق نیز براساس اسناد موجود، زنی عریضه‌ای می‌نویسد و در آن درخواست دریافت حقوق شوهرش را دارد و یا زنی دیگر در عریضه‌ای به وزارت امور خارجه می‌نویسد که همسرش در حال خدمت به دست اشرار کشته شده است و حقوق شوهرش را به او پرداخت کنند.^۲ در زمینه حق الارث هم دختر مرحوم آقا سید هاشم از کاشان شکایت می‌کند که خانه‌ای از همسر مرحومش به او ارث رسیده است، اما حالا طلبکار شوهرش می‌خواهد او را از خانه بیرون کند.^۳

در برخی موارد زنان پا را از این هم فراتر گذاشته و در عریضه‌های خود باجسارت از حکام و متنفذین شکایت کرده‌اند. زنان لاهیجانی اعلام کردند از ظلم حاجی میرزا حسین و اولاد میرزا عبدالوهاب مستوفی خسته شده‌ایم و هر روز آزار و اذیت می‌شویم. ۵۰ نفر مأمور و محصل به لاهیجان تاخته و بی حساب خانه‌ها را تاراج کرده‌اند و می‌خواهند خراب کنند. همین باعث شده که ما ۳۰ زن به تلگرافخانه پناه ببریم.^۴ نسوان گرگان‌رودی تالش هم از ظلم نصرت‌الله‌خان و گرفتاری خودشان نوشتند. جواب شاه به آنها این بود که قبلاً در این گونه موارد احکام عدیده صادر شده است.^۵ زنان گرگان‌رودی هم نوشتند از ظلم نصرت‌الله‌خان و کسان او جلالی وطن کرده و در بقعه شیخ صفی بست نشسته‌ایم. در اینجا گرفتار فقر هستیم و همه بی چیز و بی خانمان شده‌ایم.

در شکایت به امور اقتصادی و معاش نیز عریضه‌هایی برای مجلس تحقیق مظالم فرستاده می‌شد. زنان قریه اوریج بسطام نوشتند که مردان آنها برای تحصیل معاش به استرآباد مازندران می‌روند و رعیتی آینده با آنهاست و مالیات اوریج را از پولی که مردانشان می‌فرستند می‌دهند. آنها شکایت کرده بودند که امسال بیشتر از حد معمول از ایشان مالیات خواسته‌اند و تقاضای رفع تعدی داشتند.^۶ در عریضه زنان رشت نیز آمده است که علف صحرای ما را بعد از دادن مالیات که مایه معاش ما بود، بریدند و بردند، برای همین سرگردان شده‌ایم.^۷ دلشاد بیگم صبیبه مرحوم حاجی تیمورمیرزا از تبریز نوشت: «بیست و چهار تومن بعد از وضع رسم مقرری کمینه است. چون عیال زیاد است کفاف معاش را نمی‌کند. استدعا دارم که ۱۵ خروار جنس هم مرحمت شود که از تصدق خاک پای همایون، نان و پنیری بتوانیم صرف

۱. دست‌نوشته‌های ناصرالدین شاه، میکروفیلم اسناد مجلس تحقیق مظالم با شماره ۲۹۲۹، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ش ۴۶۴.

۲. سند ش ۱۳۱۱۸۱۱ (۱۳۰۳ق)، از مجموعه اسناد زانیار نوری.

۳. سعلوندیان، اتحادیه، ص ۲۵۹-۲۶۰.

۴. همان، ص ۲۶۰.

۵. همان، ص ۲۴۵.

۶. همان، ص ۲۵۹-۲۶۰.

۷. همان.

کنیم.» جواب شاه این بود که «بی‌معنی است.»^۱ پاسخ‌های مقامات به این عریضه‌ها نشان می‌دهد که زنان به حقوق خود به‌ندرت دست پیدا می‌کردند و همین باعث می‌شد با شرکت در بلواها درصدد رسیدن به خواسته‌های خود برآیند.

شرکت در اعتراضات و بلواها؛ شیوه شفاف‌ی اعتراض زنان در عصر ناصری

وقتی زنان با نوشتن عریضه و دادخواست به نتایج مطلوب خود نرسیدند، ترجیح دادند حضوری به نزد شاه بروند و شکایات خود را بیان کنند. بخش زیادی از اعتراض‌های آنان در این دوره در وهله اول به مشکلات اقتصادی و سپس به اوضاع سیاسی و مذهبی مربوط می‌شد که در ادامه هر یک را شرح می‌دهیم.

اعتراض‌های اقتصادی زنان

اولین اعتراض اقتصادی زنان در سال ۱۸۴۹م/۱۲۶۵ق در اصفهان رخ داد. هنگام نماز زنان اصفهانی در مسجد جامع شهر شروع به اعتراض کردند و از امام‌جمعه درخواست همراهی نمودند، اما او قبول نکرد. پس امام‌جمعه را از منبر به زیر آوردند تا او را وادارند برای تظلم‌خواهی به کاخ شاه برود. ولی امام‌جمعه فرار کرد، زیرا بر اوضاع کنترلی نداشت.^۲

اعتراض بعدی زنان به قحطی و کمبود نان در سال ۱۸۶۱م/۱۲۷۷ق در تهران روی داد. زمانی که شاه از شکار باز می‌گشت، زنان، با همراهی مردان و علما، به نشانه اعتراض، بدون روبند، سر و صورت خود را گل مالیده جلوی او را گرفتند.^۳ زنان از شاه درخواست کمک داشتند. در نهایت شاه دستور اعدام کلانتر را داد و دستوراتی برای پایین آوردن قیمت نان داد.^۴ نمونه دیگر اعتراض زنان در نهایت منجر به کتک زدن محمدخان قاجار شد که از محتکرین بود و انبارهای غله دست‌نخورده زیادی داشت. در این اعتراض زنان حضور بسیار چشمگیری داشتند و یک سپر حمایتی برای مردان بودند.^۵ این اعتراض منجر به زخمی شدن چند زن شد و در نهایت شاه دستور اعدام کلانتر را داد.^۶ در همین سال زنان اعتراض دیگری را بر ضد شاه و محتکران ترتیب دادند. جمعی از زنان به‌زور وارد مسجد جامع شهر شدند و امام‌جمعه پایتخت (سید زین‌العابدین خاتون‌آبادی) را که مشغول نماز بود کشان‌کشان به خیابان بردند. امام‌جمعه که نزدیک

۱. دست‌نوشته‌های ناصرالدین شاه، ش ۲۸۶.

۲. مارتین، ص ۱۸۱.

۳. بروگش، ص ۶۰۱.

۴. مارتین، ص ۱۸۱.

۵. بروگش، ص ۶۰۱-۶۰۲.

6. E. B. Eastwick, *Journal of a Diplomat's Three Years Residence in Persia*, vol. I (London: Smith, Elder and Co., 1864), p. 288.

بود از ازدحام جمعیت جان بدهد، بر اثر فشار مهاجمان مجبور شد نزد شاه برود و از او قول بگیرد که به زودی نان توزیع می‌شود.^۱ در قحطی سال ۱۸۷۱م/۱۲۸۷ق نیز که نان کم و آذوقه گران شده بود، زنان تهران شروع به اعتراض کردند. حکومت برای سرکوب آنها مسلح شد.^۲ اعتراض بعدی مربوط به سال ۱۲۹۷ق/۱۸۸۰م است که زنان تهران دسته‌جمعی به قصر شاه ریختند و از باز شدن قهوه‌خانه‌ها شکایت کردند. به نظر آنها قهوه‌خانه‌ها باعث می‌شدند مردها از وظایف خود و خانه و محل کار دور شوند و درآمدشان را صرف نوشیدن چای و قلیان و قهوه کنند. به سبب همین اعتراض بود که شاه دستور داد تمام قهوه‌خانه‌ها در ولایات ایران بسته شوند.^۳

اعتراض زنان در شیراز هم نمونه‌ای دیگر از شرکت زنان در اعتراض‌هاست. در سال ۱۲۸۲ق/۱۸۶۶م نرخ غله در شیراز و نواحی آن گران شد. اهل بازار شیراز و مردم زنان را با خود همراه کردند و در میدان و درب عمارت دیوانی جمع گردیدند و از خدمت نواب والا حسام‌السلطنه خواستار ارزانی و فراوانی نان شدند.^۴ در اعتراضی دیگر، زنان در شکایت از حاکم شیراز (قوام‌الدوله) به این دلیل که فقط از آنها پیشکش می‌گیرد و اهمیتی به نیازهایشان نمی‌دهد، به قورخانه‌ای در پایین سیم تلگراف رفتند و ناامنی در شهر و کمبود نان را که شاهد اصلی بی‌کفایتی او بود گزارش دادند.^۵ جمعی از زنان هم در سال ۱۲۹۲ق/۱۸۷۵م در تلگرافخانه اعتراض کردند و در تلگرافی به شاه نوشتند: «نان در شیراز به دلیل اینکه مشیرالملک، حاجی میرزا کرم و میرزا محمد گندم را انبار کرده‌اند، گران شده است و ما بیچارگان قوه‌گذاران نداریم.»^۶ در سال ۱۲۹۵ق/۱۸۷۸م نیز زن‌ها به خاطر کمبود نان به درب منزل حکومت هجوم بردند. محمدرضاخان بیگلربیگی که می‌خواست به خدمت حکومت برود، توسط زن‌ها از اسب به زیر کشیده شد، ولی فراشان او را از دست آنها نجات دادند.^۷ اعتراض بعدی در شیراز که در سال ۱۳۰۲ق/۱۸۸۵م رخ داد، باز به مشکل نان مربوط بود. در این اعتراض کلاتر شیراز (قوام) هدف ناسزاهای زنان قرار گرفت. بازار در حمایت از آنها بسته شد. در نهایت دو سه روز بعد نان فراوان شد.^۸ مردم به‌جان آمده از ستم دربار و دست‌اندازی‌های کشورهای خارجی، با شعار محوری نان پای به میدان مبارزه می‌نهادند تا ناتوانی دربار و کارگزاران حکومتی را در برآوردن نیاز حداقلی خود نشان دهند. در

۱. عباس امانت، قیله عالم (ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران)، ترجمه حسن کامشاد (تهران: کارنامه، ۱۳۸۳)، ص ۵۰۲.

۲. مارتین، ص ۱۸۱.

۳. چارلز ویلس، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجار، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام (تهران: زرین، ۱۳۶۳)، ص ۳۸۲.

۴. میرزا حسن میرزا فسایی، فارسنامه ناصری، به کوشش منصور رستگار فسایی، ج ۱ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷)، ص ۸۲۹.

۵. مارتین، ص ۱۸۳.

۶. روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲ ربیع‌الاول تا ۶ ربیع‌الثانی ۱۲۹۲، ص ۳۰.

۷. علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ (تهران: نشر نو،

۱۳۶۱)، ص ۱۰۳.

روزنامه‌ی *خاطرات* در ضمن وقایع سال ۱۳۰۲ ق آمده است: «روز پیش که شاه از شهر به عشرت‌آباد برمی‌گشتند قریب هزار نفر از زنان راه‌شاه را بستند و از نبودن نان فریاد سر دادند.»^۱ ناصرالدین شاه به جای تأمین مایحتاج عمومی مردم، گزبه‌های حکومتی خود را برای سرکوب آنان گسیل کرد.^۲ اعتراض بعدی در سال ۱۳۰۴ ق/۱۸۸۷ م ضمن دیدار رسمی شاه از ساحت قورخانه شکل گرفت. «جمعی از زن‌های شهر به شاه از گرانی نان شکایت کردند.»^۳ در سال ۱۳۰۷ ق/۱۸۹۰ م صد نفر زن و مرد از رعایای تورگیر در تلگرافخانه جمع شدند که مباشر فرمانفرما بر سر ما ریخته و قلعه‌ما را خراب و قنات آنجا را پر کرده و اموال ما را غارت کرده است.^۴ بنابراین، زن‌ها به کرات مقابل شاه ظاهر شدند و ناراضیتی خود را از گرانی ارزاق عمومی به او اعلام کردند. اغلب این اعتراض‌ها زمانی به وقوع می‌پیوست که شاه قصد داشت از عمارت خود بیرون رود یا از شهری بازدید کند.

نمونه‌ی دیگر اعتراض زنان مربوط به رمضان سال ۱۳۱۳ ق/۱۸۹۶ م بود که ناصرالدین شاه برای شرکت در مجلس روضه وارد مسجد سپهسالار شد. زنان موقع را غنیمت شمردند و در اعتراض به گرانی و کمبود گوشت و نان جلوی او را گرفتند. شاه که در حلقه‌ی زنان معترض گرفتار آمده بود از جمع معترضان گریخت. اعتمادالسلطنه این اعتراض را چنین گزارش می‌دهد: «چند نفر زن که شکایت از نان و گوشت کردند؛ بندگان همایون نخواستند زیادتر توقف کنند به باغ رفتند.»^۵ عین‌السلطنه هم آن را این‌گونه توصیف می‌کند: «در سال ۱۳۱۰ ق یک روز مسجد سپهسالار در رکاب شاه رفتیم، نمی‌دانم چه بنویسم از زن‌ها، آنقدر نادرست و حرف مفت‌زن شده‌اند که حد و حصر ندارد. متصل برای شاه و سایرین که ملتزم بودند، مضمون می‌گویند. نمی‌دانم چندی بگذرد چه خواهد شد. هرگز مضامین آنها را بعد از دو ساعت فکر نمی‌شود ساخت.»^۶ یا زمانی که شاه داشت به قصد زیارت حرم عبدالعظیم می‌آمد، از هر سو زنان به نشانه‌ی اعتراض به گرانی و قحطی جلوی او را گرفتند و از وزیر شکایت کردند.^۷ اعتمادالسلطنه هم این اعتراض را در یادداشت‌های خود این‌گونه بیان می‌کند که همراه با حضور شاه «زن‌ها در حضرت عبدالعظیم از گرانی نان و گوشت شکایت کرده‌اند.»^۸

۱. اعتمادالسلطنه، ص ۲۵۷.

۲. همان، ص ۳۹۰، ۲۵۹.

۳. همان، ص ۴۹۶.

۴. محمدرضا عباسی، پرویز بدیعی، گزارش‌های اوضاع سیاسی - اجتماعی ولایات عصر ناصری (۱۳۰۷ ق) (سازمان اسناد ملی ایران: انتشارات پژوهشکده‌ی اسناد، ۱۳۷۳)، ص ۶۷.

۵. اعتمادالسلطنه، ص ۱۰۵۷.

۶. قهرمان‌میرزا سالور (عین‌السلطنه)، روزنامه‌ی *خاطرات*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۱ (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴)، ص ۵۲۲.

۷. ناصرالدین شاه قاجار، شهریار جاده‌ها (سفرنامه‌ی ناصرالدین شاه به عتبات)، به کوشش محمدرضا عباسی، پرویز بدیعی (تهران: سازمان اسناد ملی، ۱۳۷۳)، ص ۲۲۸-۲۳۰.

۸. اعتمادالسلطنه، ص ۹۹۱.

احتکار غلات از سوی اشراف و زمین‌داران که منجر به گرانی نان شد، از دیگر مواردی است که باعث اعتراض مردم و زنان در سال ۱۳۱۳ق در تبریز شد. زنان به رهبری زینب‌پاشا نقش فعالی در این اعتراض داشتند. در یکی از این اعتراض‌ها حدود سه هزار زن چوب به دست به سمت بازار راه افتادند و کسبه را وادار به بستن دکان و پیوستن به تظاهرات کردند. به دنبال این حرکت، حکومت به قشون مراغه دستور تیراندازی داد که طی آن پنج زن و یک سید کشته شدند. در این زمان روحانیت معترض هم به زنان پیوستند.^۱ زینب مردان را به مبارزه با ظلم تشویق می‌کرد و می‌گفت: «اگر شما مردان جرئت ندارید سزای ستم‌پیشگان را کف دستشان بگذارید، اگر می‌ترسید که دست دزدان و غارتگران را از مال و ناموس و وطن خود کوتاه کنید، چادر ما زنان را به سر کنید و کنج خانه بنشینید و دم از مردی و مردانگی نزنید. ما جای شما با ستمکاران می‌جنگیم.»^۲ در نهایت، بعد از پیروزی، زنان به رهبری زینب به انبارهای محتکران حمله و آنها را غارت و بین فقرا تقسیم کردند. از جمله این انبارها، انبار قائم‌مقام و انبار نظام‌العلماء بود.^۳

اعتراض‌های زنان به مسائل سیاسی

از جمله رویدادهایی که در دوره ناصری اتفاق افتاد و اعتراض گسترده مردان و زنان را در پی داشت، انعقاد قرارداد رژی بود. چون بیشتر زن‌ها و مردهای ایرانی گرفتار استعمال دخانیات بودند،^۴ در پی عقد قرارداد، قشرهای مختلف مردم به رهبری روحانیت بر ضد این امتیاز به پا خواستند. قدرت و نفوذ روحانیون در میان مردم عامل مهمی در بدبینی آنها به شاه و اروپاییان بود. روحانیون در ماجرای قحطی و کمیابی نان نیز به مردم می‌گفتند که خارجیان در این امر دخالت داشته‌اند و اگر آنها برونند همه چیز درست می‌شود.^۵ همین امر باعث شد در ۱۳۰۸م/۱۳۰۸ق جنبش اعتراضی زنان دامنه و گسترش بیشتری پیدا کند، تا جایی که زنان مشکل نان را به مسائل سیاسی دیگری از نوع تحریم تنباکو ربط دادند، با این رویکرد که دربار با دولت‌ها و انحصارات امپریالیستی دوستی و رابطه تنگاتنگ دارد و همین علت اصلی رنج مردم است. اما گرایش‌های مذهبی زنان عامل مهم ورود آنها به این اعتراض شد. زنان با توجه به گرایش‌های شیعی به فرمان میرزای شیرازی گردن نهادند و در اعتراض به قرارداد رژی به

۱. عبدالحسین ناهید، زنان ایران در جنبش مشروطه (تبریز: نشر احیا، ۱۳۶۰)، ص ۴۳-۴۴.

۲. سهیلا شهشهانی، «زن ایرانی یک مسئله سیاسی است»، فرهنگ توسعه، س ۶ ویژه زنان (۱۳۷۶)، ص ۴؛ حسن کربلایی، تاریخ الدخانیه یا تاریخ انحصار دخانیات (اراک: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۱۱۰.

۳. کربلایی، ص ۴۵-۴۶.

۴. ژوانس فوریه، سه سال در دربار ایران (خاطرات پزشک ویژه ناصرالدین شاه)، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، چاپ همایون شهیدی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۸)، ص ۲۱۶.

۵. بروگش، ص ۶۰۸.

پا خواستند و به تبعیت از دستور مذهبی قلیان‌ها را شکستند و تحریم عملی تنباکو را اجرا کردند. تبلور گرایشات شیعی آنها را می‌توان در فریادهایشان در بحبوحهٔ اعتراض‌ها که «یا علی» و «یا حسین» بود، مورد توجه قرار داد.^۱ واکنش به رژی به حرمسرای شاه هم کشیده شد. زنان درباری قلیان‌ها را شکستند و آثار تنباکو را از عمارت پاک کردند. شاه در این زمینه گفت زنانی که جانشان را برای من می‌دادند، حالا در دادن یک سیگار به من مضایقه می‌کنند.^۲ و یا زمانی که نیروهای دولتی به مردان و زنان تیراندازی می‌کردند، زنان درباری شروع به گریه و زاری کردند. شاه برای آرام کردن آنها گفت که حکم تحریم از میرزای شیرازی نیست، و گرنه من نیز از آن پیروی می‌کردم. یکی از زنان گفت نیروهای دولتی به سوی علما و سادات تیراندازی می‌کنند، ولی شاه برای گول زدن آنها گفت که تیراندازی به سوی هوست.^۳ انیس‌الدوله، یکی از زنان شاه که تبار دهقانی داشت، در جواب شاه که از زنان پرسید چه کسی آن را حرام کرده؟ جواب داد همان که مرا بر تو حلال کرده است.^۴

آنچه بیشتر مورد توجه است اینکه حکم تحریم فرمانی مذهبی بود. اعتراض زنان در این زمینه براساس آگاهی از مفاد قرارداد و منافع ملی و یا حساسیت سیاسی و اجتماعی آنان نبود، بلکه به دلیل اهانت به باورهای مذهبی‌شان بود. از طرفی این رفتار ناشی از فهم عمیق مذهبی آنها نبود (در این زمینه مردان هم بهتر از زنان نبودند)، بلکه در سطح اجرای شعایر و احکام مذهبی باقی مانده بود.^۵ با شروع اعتراض‌ها علیه امتیاز تنباکو، ناصرالدین شاه به محمدحسن آشتیانی پیام می‌دهد که یا بالای منبر برو و پیش چشم همه قلیان بکشد یا اینکه از تهران خارج شود. آشتیانی آمادهٔ حرکت از تهران می‌شود. همین امر باعث اعتراض مردم می‌گردد. زنان در جلو و مردان پشت سر آنها به طرف قصر سلطنتی حرکت می‌کنند و فریاد می‌زنند ای خدا می‌خواهند دین ما را ببرند، علمای ما را بیرون کنند تا فردا عقد ما را فرنگیان ببندند و اموات ما را فرنگیان کفن و دفن کنند. پس از آن زنان به طرف مسجد شاه می‌روند. زین‌العابدین، امام‌جمعهٔ درباری، در یک سخنرانی، مردم را به آرامش دعوت می‌کند. زن‌ها او را از منبر پایین می‌کشند.^۶ در فارس هم زنان ایلات در کنار مردان به اعتراض پرداختند و تلگراف‌های تهدیدآمیزی

۱. شوستر، ص ۲۳۹؛ خسرو معتضد، نیلوفر کسری، سیاست و حرمسرا (زن در عصر قاجار) (تهران: علمی، ۱۳۷۹)، ص ۲۰۴.

۲. اجتهادی، ص ۱۶۲.

۳. جعفر شهری‌یاف، گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی طهران قدیم (تهران: سیمرغ، ۱۳۴۷)، ص ۴۸.

۴. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی (تهران: آگاه، ۱۳۶۲)، ص ۲۱-۲۲؛ آن. لمبتون، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمهٔ یعقوب آژند (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص ۲۸۳؛ ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران (تهران: اقبال، ۱۳۶۱)، ص ۱۰۶-۱۰۸.

۵. یاکوب ادوارد پولاک، سفرنامهٔ پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمهٔ کیکاوس جهاننداری (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸)، ص ۱۵۸؛ ترابی فارسانی، ص ۱۱؛ امانت، ص ۷۸.

۶. شهشهانی، ص ۴؛ کربلایی، ص ۱۱۰؛ تیموری، ص ۱۵۱.

۷. شوستر، ص ۲۳۹.

دربارهٔ فسخ قرارداد به تهران فرستادند.^۱ عین‌السلطنه به حضور زنان در اعتراض به قرارداد رژی چنین اشاره می‌کند: «در جریان تنباکو، زن‌ها امروز زیاد هجوم کرده بودند و در سر دسته‌جات زن‌ها چوب به دست و کمرها را از روی چادر و چاقچور محکم بسته بودند. زیادی دکان‌ها را هم زن‌ها به فحش بسته بودند.»^۲ اعتمادالسلطنه هم در این باره می‌گوید: «از قراری که از همه کس می‌شنوم مسئلهٔ تنباکو خیلی اهمیت دارد و مردم از زن و مرد و عالم و عامی در این کار سخت ایستاده‌اند.»^۳

اعتراض‌های مذهبی زنان

محققان جنبش باب را حرکتی مذهبی می‌دانند که هدفش به چالش کشیدن تشیع بود. اما جان فوران جنبش باب را جنبش اعتراضی گذار در ایران عصر قاجار می‌داند^۴ که زنان به دلایل ناراضیاتی از شرایط خود به آن پیوستند. باب با شناخت محرومیت‌ها و مشکلات قشرهای مختلف و آشنایی با اندیشه‌ها و تحولات اجتماعی غرب توانست طرفداران زیادی پیدا کند. از جمله عقاید او این بود که زنان نباید در عزلت به سر برند.^۵ همین عقیده در جامعهٔ قاجار مورد توجه زنان قرار گرفت. باب خواستار لغو همهٔ مالیات‌ها، تعهدات و مالکیت خصوصی، حمایت از مالکیت اشتراکی و برابری زن و مرد بود. یکی دیگر از آرای هنجارشکنانهٔ باب در مورد زنان و خانواده، حکم معروف او در مورد زنان متأهلی بود که از شوهر خود بچه‌دار نمی‌شوند. مطابق این حکم به زنان صریحاً اجازه داده می‌شد که به اذن شوهر با مرد دیگری وارد ارتباط و صاحب فرزند شوند.^۶ از طرفی، بعضی از احکام باب در مورد محدود کردن ازدواج با دو زن می‌تواند از دلایل گرایش برخی از زنان به این فرقه باشد. به این دلایل زنان به او پیوستند. از جمله زنانی که در جنبش باب شرکت کرد و پیروان زیادی به دست آورد، زرین تاج قزوینی (قره‌العین) بود.^۷ او در مساجد به ترویج تعلیمات باب در مورد حق زن در بازگشایی چهره، ممنوع کردن زندان برای زنان در حرمسراها و اندرونی‌ها و آزادی و برابری حقوقی زن و مرد و... پرداخت.^۸ قره‌العین باعث نشر عقاید باب در میان زنان و گرایش آنها به این فرقه شد. او در کنگره‌ای که بهاییان تشکیل داده بودند، با آرایش کامل حجاب خود را کنار گذاشت و بیان کرد که با وجود باب دین اسلام منسوخ است و حکم

۱. حسن اعظام قدسی، کتاب خاطرات من یا روشن شدن خاطرات صد ساله، ج ۱ (قم: مؤسسهٔ فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۴۲)، ص ۴۴.

۲. سالور، ج ۱، ص ۴۳۸.

۳. اعتمادالسلطنه، ص ۷۸۰.

۴. جان فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمهٔ احمد تدین (تهران: مؤسسهٔ خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۹)، ص ۲۴۶.

۵. عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴)، ص ۹۰.

۶. پریسا کدیور، پرده‌نشینان عصر ناصری: نگاهی به حیات اجتماعی زنان در عهد قاجار (تهران: گل‌آذین، ۱۳۹۶)، ص ۱۵۴.

۷. سعید زاهد، بیژن خواجه نوری، جنبش زنان در ایران (شیراز: ملک سلیمان، ۱۳۸۴)، ص ۱۰۲.

۸. آ. کوزنتسوفان، اوضاع سیاسی و اقتصادی-اجتماعی ایران در پایان سدهٔ ۱۸ تا نیمهٔ نخست سدهٔ ۱۹م، ترجمهٔ سیروس ایزدی (تهران: بین‌الملل، ۱۳۸۵)، ص ۱۴؛ کدی، ص ۵۳.

بر بی‌تکلیفی است.^۱

اگر بخواهیم در مورد ریشه اجتماعی جنبش باب و همگام شدن زنان با این گرایش صحبت نماییم، باید به انحطاط فتودالیسم، ستم استبدادی و اقتصادی و تجاوز و استعمار اشاره کنیم که مانند مواد منفجره در بطن جامعه ایران از دیرباز انبار شده بود. برای همین هنگامی که باب دعوی خود را آشکار کرد، در بسیاری از شهرهای ایران مثل اصفهان، تبریز، یزد و زنجان علیه حکام محل و اشراف فتودال و روحانیون همدست آنها اعتراض روی داد. در این شرایط انتظار دائمی برای ظهور مهدی آخر زمان که از اعتقادات شیعیان است، جامعه را مستعد قبول دعوی مهدویت از سوی کسی کرده بود که علیه ستم برخیزد. تعلیمات شیخیه ظهور صاحب‌الامر را نزدیک جلوه می‌داد و تصور آنکه آخرالزمان رسیده است و امام ظاهر خواهد شد، افکار را تصرف کرده بود.^۲

نتیجه‌گیری

در عصر قاجار که دوره گذار ایران از سنت به مدرنیته است، دوران ناصری دارای شرایط ویژه‌ای است. تا پیش از این دوران زنان در جامعه حضوری بسیار کم‌رنگ داشتند. آنها مشکلات و گرفتاری‌های خود را به هیچ محکمه‌ای نمی‌بردند، زیرا هیچ حق و حقوقی برای خود قائل نبودند. از طرفی در جامعه مردسالار جرئت چنین تظلماتی را نداشتند. حق طلاق با مرد بود و هر زمان اراده می‌کرد می‌توانست زن را از خانه بیرون کند. عرف اجتماعی موجود در جامعه مبنی بر ضعیفه بودن زنان و بافت سنتی جامعه ایران و ممانعت از برخورد فیزیکی مأموران حکومتی با زنان، وضعیت بد اقتصادی، فشار و سرکوب دولت، ورود اندیشه‌های غربی به ایران، دیدگاه اندیشمندان ایرانی در خصوص جایگاه زنان در جامعه، ورود فناوری‌های جدید مانند روزنامه سرآغازی برای تحول فکری زنان و آگاهی آنها به موقعیت و جایگاهشان در جامعه شد و همین امر زمینه‌های ورود آنها را به عرصه اعتراضات فراهم کرد. بنابراین، آنها این امکان را یافتند که از طریق نظمیه و عدلیه تظلم‌خواهی خود را بیان کنند. آنها به دو شکل اعتراض‌های خود را بیان کردند و خواستار احقاق حقتان شدند: اول به شکل عریضه‌نویسی و دوم به صورت حضور در اعتراض‌های علنی علیه حاکمیت. در واقع چون نوشتن عریضه نتیجه‌ای نداشت، آنها شیوه اعتراض خود را تغییر دادند و به صورت عملی در اعتراضات اجتماعی وارد شدند. آنها توانستند در اعتراض‌های اقتصادی، جنبش تنباکو و باب علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی نقش مهمی را ایفا کنند.

۱. زاهد، خواجه نوری، ص ۱۰۵.

۲. فوران، ص ۲۴۱-۲۴۳؛ احسان طبری، برخی بررسی‌ها درباره جهان‌بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران (بی‌جا: انتشارات انجمن دوستداران، بی‌تا)، ص ۵۶۸.

کتابنامه

- آبراهامیان، یرواند. *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.
- آدمیت، فریدون و هما ناطق. *افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*، تهران: آگاه، ۱۳۵۶.
- آدمیت، فریدون. *شورش بر امتیازنامه رژی*، تهران: پیام، ۱۳۵۵.
- اتحادیه، منصوره. *اینجا تهران است (مجموعه مقالاتی در مورد طهران ۱۲۶۹-۱۳۴۴ق)*، تهران: تاریخ ایران، ۱۳۷۷.
- اجتهادی، مصطفی. *دایره‌المعارف زن ایرانی*، ج ۱، تهران: مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۲.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. *روزنامه خاطرات*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- اعظام قدسی، حسن. *کتاب خاطرات من یا روشن شدن خاطرات صد ساله*، ج ۱، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۴۲.
- افشار، حسنعلی. *سفرنامه لرستان و خوزستان (اراک، بروجرد، خرم‌آباد، دزفول و شوشتر)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.
- امانت، عباس. *قبله عالم (ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران)*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: کارنامه، ۱۳۸۳.
- باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم. *گذر زن از گذار تاریخ*، تهران: کیانا، ۱۳۸۲.
- باش فراش، زهرا. «بازتاب مسائل اجتماعی و فرهنگی زنان در عکس‌های پس از مشروطه تا سقوط قاجار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، دانشگاه قزوین، ۱۳۹۶.
- بروگش، هنریش. *سفری به دربار صاحبقران ۱۸۵۹-۱۸۶۱*، ترجمه حسین کردبچه، ج ۲، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷.
- بهنام، جمشید. «نگاهی دوباره بر مسئله تجدد»، ایران‌نامه، س ۱۸، ش ۲، ۱۳۷۹.
- پولاک، یاکوب اودارد. *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸.
- ترابی فارسانی، سهیلا. «تکاپوی زنان عصر قاجار: فردیت، جهان سنت و گذار از آن»، *تاریخ اسلام و ایران*، س ۱۹، ش ۲، پیاپی ۷۷، ۱۳۸۸.
- تیموری، ابراهیم. *عصر بی‌خبری تاریخ ایران*، تهران: اقبال، ۱۳۶۱.
- خاطرات تاج‌السلطنه. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.
- حائری، عبدالهادی. *تشیع و مشروطیت در ایران*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- دزدعق، آرشیو برخط دنیای زنان در عصر قاجار وابسته به دانشگاه هاروارد، <http://www.qajarwomen.org>.
- دست‌نوشته‌های ناصرالدین شاه، میکروفیلم اسناد مجلس تحقیق مظالم با شماره ۲۹۲۹، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- دیولافوا، ژان. *سفرنامه خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش ۱۸۱۴-۱۸۱۶*، ترجمه ایرج فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- روزنامه اختر. سال ۱۳۰۳ق، ش ۲۸ و ۲۹.
- روزنامه وقایع اتفاقیه. ۱۲ ربیع‌الاول تا ۶ ربیع‌الثانی ۱۲۹۲، ص ۳۰.

- زاهد، سعید و بیژن خواجه نوری، جنبش زنان در ایران، شیراز: ملک سلیمان، ۱۳۸۴.
- سند ش ۱۶۱۷۹۸۷۴ (۱۳۰۳ق) و ۱۶۱۷۹۸۱ (۱۳۰۳ق)، از مجموعه اسناد جمال رادفر؛ سند ش ۱۳۱۱۸۸۱۱ (۱۳۰۳ق)، از مجموعه اسناد زانیار نوری.
- سعدوندیان، سیروس و منصوره اتحادیه (به کوشش)، آمار دارالخلافت تهران: اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار (۱۲۶۹ و ۱۲۸۶ و ۱۳۱۷ق)، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۸.
- سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر. وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲، تهران: نشر نو، ۱۳۶۱.
- شهری‌باف، جعفر. گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی طهران قدیم، تهران: سیمرغ، ۱۳۴۷.
- شهشهانی، سهیلا. «زن ایرانی یک مسئله سیاسی است»، فرهنگ توسعه، س ۶ و ویژه زنان، ۱۳۷۶، ص ۳-۱۱.
- شوستر، مورگان. اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوستری، تصحیح فرامرز برزگر و اسماعیل رائین، تهران: انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۵۱.
- شیخ‌الاسلامی، پری. زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران، تهران: انتشارات ماز گرافیک، ۱۳۵۱.
- شیل، مری. خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو، ۱۳۶۸.
- صادقی، منیره. «بررسی تحلیلی زمینه‌های شکل‌گیری مناسبات میان حرمسرا و دیوانسالاری در دوره قاجار تا پایان عصر ناصری»، تاریخ‌نامه خوارزمی، س ۵، ش ۱۹، پاییز ۱۳۹۶.
- طبری، احسان. برخی بررسی‌ها درباره جهان‌بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران، بی‌جا: انتشارات انجمن دوستداران، بی‌تا.
- عباسی، محمدرضا و پرویز بدیعی. گزارش‌های اوضاع سیاسی-اجتماعی ولایات عصر ناصری (۱۳۰۷ق)، سازمان اسناد ملی ایران: انتشارات پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۲.
- علیزاده بیرجندی، زهرا. حکومت ناصری و گفت‌وگوهای نو، تهران: هیرمند، ۱۳۹۰.
- سالور، قهرمان میرزا (عین السلطنه). روزنامه خاطرات، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۱، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴.
- فسایی، میرزا حسن. فارس‌نامه ناصری، به کوشش منصور رستگار فسایی، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- فوران، جان. مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۹.
- فوریه، ژوانس. سه سال در دربار ایران (خاطرات پزشک ویژه ناصرالدین شاه)، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، چاپ همایون شهیدی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۸.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام. تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: آگاه، ۱۳۶۲.
- معتضد، خسرو و نیلوفر کسری. سیاست و حرمسرا (زن در عصر قاجار)، تهران: علمی، ۱۳۷۹.
- کوزنتسوافان، آ. اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران در پایان سده ۱۸ تا نیمه نخست سده ۱۹، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: بین‌الملل، ۱۳۸۵.

- کدی، نیکی آر. *ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۸۱.
- کدیور، پریسا. *پرده‌نشینان عصر ناصری: نگاهی به حیات اجتماعی زنان در عهد قاجار*، تهران: گل‌آذین، ۱۳۹۶.
- کربلایی، حسن. *تاریخ الدخانیه یا تاریخ انحصار دخانیات*، اراک: بی‌نا، بی‌تا.
- لامعی گیو، طاهره. «بررسی رویکرد شرق‌شناسانه نسبت به ایران عصر قاجار با تکیه بر سفرنامه‌های زنان اروپایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بیرجند، ۱۳۹۴.
- لمبتون، آن. ک. *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- مارتین، ونسا. *دوران قاجار: چانه‌زنی، اعتراض و دولت در ایران سده نوزدهم*، ترجمه افسانه منفرد، تهران: اختران، ۱۳۹۳.
- مشیر سلیمی، علی‌اکبر. *زنان سخنور*، تهران: علمی، ۱۳۳۵.
- مکین روز، الیزابت. *با من به سرزمین بختیاری بیایید*، تهران: آنزان، ۱۳۷۳.
- ناصرالدین شاه قاجار. *شهریار جاده‌ها (سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات)*، به کوشش محمدرضا عباسی، پرویز بدیعی، تهران: سازمان اسناد ملی، ۱۳۷۲.
- ناظم‌الدوله، میرزا ملکم‌خان. *روزنامه قانون*، ش ۷، ص ۳.
- ناهدید، عبدالحسین. *زنان ایران در جنبش مشروطه*، تبریز: نشر احیا، ۱۳۶۰.
- نجمی، ناصر. *تهران عهد ناصری*، تهران: عطار، ۱۳۷۰.
- والیزاده معجزی، محمدرضا. *تاریخ لرستان؛ روزگار قاجار: از تأسیس تا کودتای ۱۲۹۹*، تهران: حروفیه، ۱۳۸۰.
- ویلس، چارلز. *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجار*، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران: زرین، ۱۳۶۳.

Sparrow, W. *Persian Children of the Royal Family*, London: 1902.

Eastwick, E. B. *Journal of a Diplomat's Three Years Residence in Persia*, vol. I, London: Smith, Elder and Co., 1864.